یادداشت

همزمان با ۱۶ آذر ماه روز دانشجو؛

روز کدام دانشجو را «جشن» می‌گیریم؟

سکینه عرب‌نژاد

مدت زیادی است که عادت کرده‌ایم به حرف‌های جدی و نزدیک به حقیقت یا حتی واقعیت، بگوییم حرف‌های تلخ، و به آدم‌هایی که این حرف‌ها را می‌زنند هم بگوییم؛ آدم‌های تلخ. انگار بنا بر این داریم که همین معدود آدم‌هایی را هم که نگاه جدی به مسایل دارند، از دایره بیرون کنیم یا آنها را همرنگ جماعت کنیم و یا به کنج انزوا بکشانیم‌شان.

این ها را گفتم که بگویم جای خیلی چیزها با هم عوض شده است این روزها. آن طور که دیگر حتی کلمات را در جای خود استفاده نمی‌کنیم و این کلمات «عوضی»، معانی «عوضی» و ارتباط‌های «عوضی» برای ما ساخته‌اند و ما در این دنیای خودساخته‌ی «عوضی» است که به هم لبخند می‌زنیم و «روز دانشجو» را و «بزرگداشت» سه تن از دانشجویان «شهید» را به هم، و به دانشجویان «تبریک» می‌گوییم! در دانشگاه‌های‌مان «جشن» می‌گیرند این روز را برای‌مان و «بمب‌های خنده» سالن‌های پر از دانشجو را منفجر می‌کنند.

در این جشن، بیاییم از خودمان چند تایی پرسش داشته باشیم؛ از خودمان؛ از دانشجویان قدیم. از خودمان بپرسیم که حداقل گوش‌مان چقدر با این واژه‌ها و عبارت‌ها آشنا بود زمانی که دانشجو بودیم: جنبش دانشجویی، دانشگاه محل تولید اندیشه، حرکت جریان ساز دانشجویی، دغدغه‌مندی، مطالبه‌گری، آگاهی بخشی و...؟ و حالا همین سوال‌ها را از دانشجویان الان بپرسیم. به جرات و بدون زحمت می‌توان تفاوت جواب‌های احتمالی را حدس زد، حدسی قریب به یقین.

انگشت اتهام را به سمت کسی نمی‌گیرم. فقط وضعیت را شرح می‌دهم؛ کما اینکه نیاز به شرح و توضیح من نیست.

همه‌مان در این وضعیت آلوده «نفس می‌کشیم»؛ از دانشجو و مدرس و رییس دانشگاه و متولیان فرهنگی و خانواده‌ها و برنامه‌ریزان سیاسی و همه. بنابراین همه دخیل‌ایم در ایجاد و استمرار این وضعیت؛ وضعیت محبوب و خواستنی و انتخاب شده «عدم آگاهی». وضعیتی که به طرز عجیبی در ما ریشه دوانده است.

حتی اگر تلخ باشیم نمی‌توانیم انکار کنیم که زمانی دانشگاه، آغازگر بسیاری از تحولات جامعه بود. نگاه بخش عمده‌ای از اجتماع، به حرکت‌های دانشجویی و دانشگاهیان بود. دانشگاه جریان‌ساز تغییرات رو به جلو بود. محیط آکادمیک آگاه بود و آگاهی بخش بود. دانشگاهیان قرابت و پیوند بسیار نزدیکی با اجتماع داشتند. دانشجو هزینه می‌داد و از هزینه دادن هراس نداشت. از هیچ چیزی هراس نداشت. صدایش همیشه بلند بود.

این افعال صرف شده در زمان «گذشته» را می‌توان تا بی نهایت ادامه داد چون دانشگاه الان هیچ کدام از اینها «نیست» اما زمانی «بود» و این، واقعیت تلخی است. این تلخی تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟ چه کنیم در برابرش؟ می‌تواند لق‌لقه دهان شود، مثل همین نوشته یا می‌توان کاری برایش کرد. اما شاید همچنان انتخاب «ناآگاهی» بهترین راه باشد.

می‌توانیم امیدوار باشیم و سالی یک بار در آستانه‌ی روز دانشجو به هم «تبریک» بگوییم. تاریخ را نخوانیم و ندانیم که چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در روز ۱۶ آذر، احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی در تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران چه می‌کردند و به چه گناهی کشته شدند؟

با این همه البته می‌توانیم باز هم روز دانشجو را با هم «جشن» بگیریم. فقط از خودمان بپرسیم: روز کدام دانشجو را جشن می‌گیریم؟

سومین اثر داستانی مهدی محبی کرمانی در نمایشگاه کتاب رفسنجان رونمایی شد

داستان کرمان توان ملی دارد

گروه فرهنگ و هنر - مجموعه داستان «آهوانی» سومین اثر داستانی مهدی محبی کرمانی روز پنجشنبه شانزدهم آذرماه در نمایشگاه کتاب رفسنجان رونمایی شد. در این مراسم که با همکاری روابط عمومی مس منطقه کرمان، گالری کتاب پستو و انتشارات نون برگزار شد، جمعی از علاقه‌مندان ادبیات داستانی و تعدادی از شخصیت‌های فرهنگی رفسنجان و استان حضور داشتند. در این جمع فرهنگی همچنین از کتاب «مردم نگاری شهرستان رفسنجان» تالیف مشترک حسن حسینی و خانم‌ها رضاپور و رهجو نیز رونمایی گردید.

قدر آدم‌های فرهنگی را بدانیم

پیش از انجام مراسم رونمایی مهدی محبی کرمانی که کوتاه سخن گفت، شهرستان رفسنجان را دارای ظرفیت‌های فرهنگی بالا دانست و گفت: «این شهر که دانشگاه‌ها و آدم‌های بزرگ فرهنگی دارد، نیازمند حرکت‌های فرهنگی است و این در حالی است که متاسفانه نسبت به قابلیت‌های بالای آن، کار زیادی در حوزه‌های فرهنگی در این شهر انجام نشده.»

رییس انجمن داستان استان با اعلام این نکته که ظرفیت داستان رفسنجان در کنار دیگر شهرهای استان کرمان، ظرفیت بسیار بالایی است، بیان داشت: «رفسنجان شهری است که انجمن داستان بسیار فعال و داستان نویسان مطرح و بزرگی مثل محمد شریفی نعمت‌آباد دارد.»

محبی کرمانی در بخش دیگری از سخنان خود به اردوها و گارگاه‌های آموزشی برگزار شده در طول یکسال گذشته اشاره کرد و گفت: «با علم به جریان‌هایی از این دست معتقد هستم صدای داستان استان، صدای بلندی و توان ملی دارد. است. اما مشکلی که وجود دارد، مشکل عدم اعتماد به نفس نویسندگان و به‌خصوص داستان نویسان جوان است که موجب سوختن استعدادها می‌شود.»

او اظهار داشت: «در استان در حدود۸۰ تا ۱۰۰ نفر داستان‌نویس جوان داریم که هرکدامشان قابلیت این را دارند که به یک داستان‌نویس ملی تبدیل داریم.»

نویسنده‌ی «کت زوک» ادامه داد: «در واقع روندی که هرکدام از این افراد ۸۰ تا ۱۰۰ نفر جوان داستان نویس باید طی کنند، همان روندی است که بعضی دوستان نویسنده‌ی ما مثل رضا زنگی آبادی، منصور علیمرادی، زهرا میمندی و مرجان عالی‌شاهی طی کرده‌اند و با طرح داستان‌های‌شان در سطوح فرا استانی، معروفیت ملی کسب نموده‌اند.»

او با طرح این مساله که رشته‌هایی مثل داستان‌نویسی و شعر به هیچ روی درآمدزایی ندارند و داستان‌نویسان و شاعران نمی‌توانند به هنر خود به عنوان یک حرفه و شغل دل ببندند، گفت: «اگر کسی توانست در این وضعیت سخت معیشت، فراغتی پیدا کند و به نوشتن بپردازد، هنری مضاعف دارد، که متاسفانه در توان خیلی‌ها نیست و به همین دلیل بیم آن می‌رود که هنرهای نوشتاری ما با خطر نابودی دست به گریبان شوند.»

مهدی محبی کرمانی در بخش دیگری از سخنان خود نسل خود را یک نسل ارگانیک برشمرد و بیان داشت: «نسل ما به عنوان یک نسل خودرو در کودکی خود از امکاناتی مثل رادیو و تلویزیون و حتی کتاب بی‌بهره بود و کل منابع اطلاعاتی و منابع الهام ما برای نوشتن، از پدر و مادر و دیگر اعضای بزرگ خانواده به دست می‌آمد.»

او ادامه داد: «یعنی ما اعتماد به نفس لازم را برای اینکه به دیگران عنوان کنیم یا حتی با خودمان فکر کنیم که نویسنده‌ایم، یا شاعریم نداشتیم و شخصا من هم اگر تشویق‌های دلگرم کننده‌ی دوست عزیزم، یوسف علیخانی و دیگرانی مثل آقایان شریفی، لطیفکار، نیک‌نفس و میرافضلی نبود، نه کت زوک نه آل و نه آهوانی منتشر نمی‌شد.»

نویسنده‌ی مجموعه داستان «آل» تفاوت مجموعه‌ی جدید «آهوانی» با ۲ مجموعه‌ی قدیم دیگر را در ساختار این کتاب با آنها دانست و توضیح داد: «داستان‌های کوتاه و داستان‌های طنز در دو مجموعه‌ی گذشته از هم تفکیک شده بود و الان با هم در یکجا گرد آمده‌اند.»

> اگر کسی توانست در این وضعیت سخت معیشت، فراغتی پیدا کند و به نوشتن بپردازد، هنری مضاعف دارد، که متاسفانه در توان خیلی‌ها نیست و به همین دلیل بیم آن می‌رود که هنرهای نوشتاری ما با خطر نابودی دست به گریبان شوند

این مدیر با سابقه‌ی صنعت مس به عنوان کسی که هم مس را می‌شناسد و هم رفسنجان را می‌شناسد و هم دستی در حوزه‌ی فعالیت فرهنگی استان دارد، تصریح کرد: «باید توصیه کنم که قدر شخصیت‌های فرهنگی و آدم‌هایی مثل سید علی میرافضلی را بدانیم؛ چرا که آدم‌هایی از این دست در مقاطعی از تاریخ می‌توانند، در یک شهر و یا یک حوزه فرهنگی، تحرک ایجاد کنند.»

او گفت: «کم اتفاق می‌افتد آدمی مثل میرافضلی، مدیر روابط عمومی باشد، همزمان مدیران مس نگاه فرهنگی داشته باشند و همکاران خوبی هم در روابط عمومی مس برای انجام فعالیت‌های فرهنگی گرد هم جمع باشند؛ در این شرایط باید قدر فرصت‌هایی را که شرکت مس برای انجام فعالیت‌های هنری و فرهنگی فراهم کرده، بدانیم.»

داستان‌نویسان جوان کرمان از نسل اول متاثراند

دربخش دیگری از این مراسم رضاشمسی به مناسبت انتشار مجموعه داستان آهوانی، کلیاتی درباره‌ی ادبیات داستانی کرمان بیان کرد.

او با بیان این نکته که هر متن در جایگاه تاریخی خودش معنا پیدا می‌کند، گفت: «چنانچه بخواهیم روند رشد و توسعه‌ی یک هنر را بررسی کنیم، مجبوریم، جایگاه تاریخی هرکدام از آثار هنری متعلق به آن تاریخ را در ارتباط با هم بررسی کنیم.»

این منتقد ادبی ادامه داد: «به عنوان مثال در بررسی شعر کلاسیک فارسی می‌بینیم که هرکدام از دواوین شاعران بزرگ فارسی از رودکی و فردوسی تا سعدی و حافظ و صائب در ارتباط با تاریخ شعر فارسی خوانش می‌شود و از این منظر است که می‌توانیم رابطه‌ی بینامتنیت این آثار را با هم درک کنیم و بفهمیم هرکدام از این شاعران متعلق به کدامیک از سبک‌های خراسانی، عراقی و یا هندی هستند.»

او گفت: «این روند تاریخی درمورد ادبیات داستانی معاصر، هم در گستره‌ی کشوری و هم در گستره‌ی استانی قابل اطلاق است.»

رضا شمسی مهدی محبی کرمانی را متعلق به نسل اول داستان نویسی مدرن کرمان دانست و توضیح داد: «ایشان اگرچه با تاخیر کتاب‌های خود را منتشر نموده اما در روند رشد و توسعه‌ی داستان کرمان تاثیر داشته و ما می‌توانیم این تاثیرگذاری را در آثار نسل دوم و سوم ببینیم. من معتقدم داستان‌نویسان جوان کرمان، خودآگاه یا ناخودآگاه از نسل اول متاثراند.»

آثار محبی کرمانی از نظر نثر با آثار مرادی کرمانی قابل مقایسه است

این روزنامه نگار ادامه داد: «اگر کسی بپرسد این تاثیرگذاری به چه شکل است؟ پاسخ خواهم داد که نسل اول داستان نویسان کرمان مثل محبی کرمانی با رویکرد مدرن و متجدد، انتخاب موضوعات بومی و نثر روان و بی‌تکلفی که برخاسته از لحن و لهجه‌ی کرمانی است، بر نسل بعد از خود تاثیر گذاشته‌اند؛ به اعتقاد من از این منظر، و مخصوصا از نظر نثر، داستان‌های محبی کرمانی با آثار مرادی کرمانی قابل مقایسه است.»

شمسی با اشاره به شخصیت‌هایی مثل دکتر با خدا (به عنوان نامی آشنا و شخصیتی واقعی در کرمان دهه‌ی ۴۰) و باورهای کهن و بعضا خرافی مردم اظهار داشت: «سرتاسر آثار مهدی محبی کرمانی پر از موضوعات و شخصیت‌های بومی است و داستان‌های "آبله کوبی"، "کت زوک"، "آل" و "عروسی آب" مثال‌هایی خوب از این نوع‌اند که نمونه‌ی آن را در اثر هیچ نویسنده‌ی دیگری، نمی‌توانید پیدا نمی‌کنید.»

او در بخش دیگری از سخنان خود به حضور موثر محبی کرمانی در فعالیت‌های فرهنگی اشاره کرد و اظهار داشت: «به جرات می‌توانم بگویم طی دهه‌ی گذشته که در کرمان کار می‌کنم، در اکثر فعالیت‌های فرهنگی که رصد کرده‌ام، رد پای مهدی محبی کرمانی را یافته‌ام.»

کتاب مردم نگاری شهرستان رفسنجان منتشر شد

در بخش دیگری از این مراسم مهندس حسن حسینی نیز به مناسبت انتشار کتاب «مردم نگاری شهرستان رفسنجان» با بیان این نکته که مدرنیته دارد مرزهای کشورها را درمی‌نوردد، نیاز به کار مردم نگاری را از ضروریات فرهنگی در سطح کشور برشمرد و ثبت و ضبط فرهنگ‌ها و خورده فرهنگ‌های بومی را لازم شمرد. رییس اداره میراث فرهنگی رفسنجان گفت: «هرگونه توسعه اگر با شناخت دقیق از مردم نباشد توسعه پایدار نخواهد بود.»

این پژوهشگر در توضیح کتاب مردم نگاری شهرستان رفسنجان، اظهار داشت: «در میراث فرهنگی گزارش‌های مردم نگاری و مردم شناسی هر شهرستانی به مرور منتشر می شود. که در رفسنجان نیز همین مطالعات انجام شده و ما مجموعا از بالای ۱۸۰۰ صفحه پژوهش، کتاب مردم نگاری مردم رفسنجان، تقدیم حضور مخاطبان گردید و تلاش کردیم در آن خلاصه‌ای از اداب و رسوم و علوم و فنون و مصطلحات مردم منطقه نشان داده بشود. و با این کار هدفمان توجه به وجه فرهنگی میراث فرهنگی است و اصالت‌های اجتماعی و بیان آبشخورهای فکری که برای مواجه با هجوم فرهنگی لازم است.»

شعرخوانی

چند شعر تازه از محمد شریفی نعمت آباد؛

شاعر بیتوته عطر

پنجشنبه پریروز، گالری کتاب «پستو» رفسنجان در محل نمایشگاه کتاب رفسنجان برای آخرین مجموعه شعر محمد شریفی نعمت آباد به نام «بیتوته عطر» جلسه‌ی رونمایی برگزار کرد. اصرار داشتم به این مناسبت با این شاعر مصاحبه کنم؛ فرصت این کار مهیا نشد، اما دریغم آمد چند جمله‌ای را که محمد شریفی نعمت آباد در پاسخ یک سوال پیامکی برایم ایمیل کرد، با شما در میان نگذارم. او نوشت:

«زیباترین مقاطع نوشتن برای من مقاطعی بوده‌اند که نوشتن را دیده‌ام اما آن را ننوشته‌ام. سوء تعبیر نشود. مقصودم وقت‌هایی است که مداقه‌ای از نوع مداقه‌ی مارسل پروست در جریان مدام ظاهراً موجود، اما باطناً نا موجود، زمان داشته‌ام.»

کلام شریفی شاعرانه است، چه در داستان و چه در شعر، و چه حتی زمانی که به یک دوست ایمیل می‌زند، و البته همیشه سرشار و لذت آفرین.

در ادامه ۵ شعر تازه و منتشر نشده از شاعر بیتوته عطر را با هم می‌خوانیم.

۱
مرداب عصر
اینجا و آنجا
نیلوفری رو به آسمان

۲
به شکار مرگ
می‌شتابم و
نغمه‌ام مُدام
از دهانش می‌آید

۳
بر آ
از همین تاریکی غلیظ
و شکار را ببین
که میان استخوان‌هایی نژند
مدام گرد شهر می‌گردد
و یادش از شکارچی نیست

۴
دوردست شب
کسی فریاد می‌زند:
"یافتم!"
و گم می‌شود

۵
چنان آمد
که عطر لاله می‌آید
و چنان رفت
که کودک لال می‌رود

گفت و گو با میلاد صفابخش؛ داور جشنواره ملی عکس مینیمال

عکاس مینیمالیست در استان وجود ندارد

مرجان افشاری راد

موسسه فرهنگی هنری عکسینه در تهران، از حدود یک سال گذشته اقدام به انتشار فراخوان جشنواره ملی عکس مینیمال به دبیری زینب شاه علی کرد. موسسه مذکور، آقایان مجید ناگهی و آرش کریمی همچنین میلاد صفابخش عکاس جوان کرمانی را به عنوان داوران جشنواره‌ی مذکور برگزیده‌است.

به همین مناسبت با صفابخش گفت و گوی کوتاهی انجام دادم تا از کم و کیف این جشنواره و وضعیت عکاسی مینیمال در ایران، مطلع شوم.

میلاد صفابخش فارغ التحصیل رشته‌ی طراحی فرش از دانشگاه شهید باهنر کرمان است و در حال حاضر به طور حرفه‌ای به عکاسی می‌پردازد او سردبیر مجله انگلیسی زبان مینیمالیسم سیاه و سفید است که به صورت الکترونیکی و چاپی در اروپا منتشر می‌شود و همچنین دو مدال طلا در دو بخش جلوه‌های ویژه و فاین آرت در سطح غیرحرفه‌ای جشنواره عکاسی IPA ۲۰۱۶ نیویورک به دست آورده و دارای مقام سوم درجشنواره عکاسی IPA در سال ۲۰۱۵ و مدال طلای مسابقه بین المللی عکاسی IPOTY لندن در سال۲۰۱۵ است.

گفت و گوی زیر را بخوانید:

آقای صفابخش اول از همه لطفا در مورد آثار رسیده به جشنواره و وضعیت داوری آنها برایمان بگویید؟

در مجموع حدودا 3000 اثر به دبیرخانه جشنواره رسیده و مرحله‌ی اول داوری آثار به پایان رسیده و 100 عکس وارد مرحله‌ی نهایی شده‌اند که از این میان حدود 30 اثر در اواخر آذرماه برای مرحله‌ی نهایی انتخاب می‌شوند و از ۴ دی ماه در نمایشگاه، نمایش داده می‌شوند و 3 اثر هم به عنوان آثار برگزیده اعلام خواهند شد.

سوال دیگری که برایم مطرح است این است که از نظر خودتان، چرا شما به عنوان یکی از داوران این جشنواره انتخاب شدید؟

من حدودا 6 سال است که به صورت حرفه‌ای و تخصصی رویکرد مینیمال را در کارهایم دنبال می‌کنم، همچنین سردبیر مجله عکاسی انگلیسی زبان مینیمالیسم سیاه و سفید هستم که به صورت الکترونیکی و چاپی در اروپا منتشر می‌شود. نمی‌دانم نظر خانم زینب شاه علی چه بوده، اما شاید به این دلایل به عنوان داور این جشنواره انتخاب شدم.

به عنوان داور، کیفیت آثار رسیده به جشنواره ملی عکس مینیمال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

شاید این جشنواره از معدود جشنواره‌های ایران باشد که آثار رسیده به دبیرخانه آن اینقدر خوب و قوی هستند؛ تمام 100 عکسی که ما در مرحله‌ی اول انتخاب کردیم واقعا خوب هستند و همه‌ی آنها قابلیت این را دارند که در نمایشگاه به نمایش گذاشته شوند، و من فکر می‌کنم ما در مرحله‌ی نهایی داوری و همچنین برای انتخاب نفرات اول تا سوم دچار مشکل خواهیم شد.

در میان آثار رسیده به جشنواره، آیا حضور عکاسان کرمانی هم قابل توجه بود؟

در این جشنواره هم، مانند بسیاری از جشنواره‌های دیگر ما آثار را بدون کوچک‌ترین اطلاعی از صاحبان آنها داوری کردیم و بنابراین من اطلاع دقیقی از میزان حضور کرمانی‌ها ندارم. اما با شناختی که از عکاسان کرمان دارم، می‌دانم که عکاس حرفه‌ای مینیمالیست در استان وجود ندارد. البته ممکن است خیلی از عکاسان کرمان در میان کارهایشان، عکس‌های مینیمال هم داشته باشند، اما عکاسی که به طور تخصصی و حرفه‌ای این رویکرد در عکاسی را دنبال کند در کرمان نداریم؛ مثلا آقای افضلی ننیز از نظر من یک عکاس بسیار خوب با نگاه خوب مینیمالیستی است ولی به دلیل مشغله‌هایی که دارد از دنیای حرفه‌ای کمی دور شده است.

> البته ممکن است خیلی از عکاسان کرمان در میان کارهایشان، عکس‌های مینیمال هم داشته باشند، اما عکاسی که به طور تخصصی و حرفه‌ای این رویکرد در عکاسی را دنبال کند در کرمان نداریم

و البته این نکته را هم اضافه کنم که رویکرد مینیمال در عکاسی، مدت زیادی نیست که به صورت حرفه‌ای در ایران شناخته شده‌است و به جرات می‌توانم بگویم تعداد عکاسانی که در ایران به صورت تخصصی و حرفه‌ای رویکرد مینیمال را دنبال می‌کنند، شاید به 5 نفر هم نرسد و همان طور که در مورد عکاسان کرمان گفتم در کل ایران هم قطعا عکاسانی هستند که به صورت ناخواسته و ناآگاهانه در میان کارهایشان، عکس‌های مینیمالیسیتی وجود دارد، اما کمتر به طور حرفه‌ای به ین نوع از عکاسی می‌پردازند و شاید خیلی از آنها حتی شناخت درستی از این نگاه نداشته‌باشند و نمی‌توان آنها را عکاسان تخصصی مینیمالیست به حساب آورد.

آقای صفابخش با توجه به وضعیتی که در مورد عکاسی مینیمال در ایران تشریح کردید، دوست دارم بدانم چه شد که خود شما به این رویکرد در عکاسی روی آوردید؟

من به صورت حرفه‌ای 6 سال است که عکاسی مینیمال کار می‌کنم و در واقع می‌توانم بگویم که من بعد از آشنایی با مینیمالیسم به سمت عکاسی آمدم و اولین مواجهه‌ی من با این رویکرد به عکاسی، از طریق دیدن آثار عکاسان خارجی مینیمالیست در یک سایت خارجی بود؛ در آن زمان خیلی از عکاسان ایرانی با این نوع نگاه به عکاسی اصلا آشنایی نداشتند.

این را هم اضافه کنم که مینیمال از نظر من یک رویکرد و نوعی نگاه است. یک عکس پرتره، خیابانی و ... همه می‌توانند با رویکرد مینیمالیستی، خلق شوند. در واقع هنرمند عکاس بر مبنای تفکرات و ناخودآگاه و یک گراند خودش است که به این نوع نگاه می‌رسد و ناخودآگاه، آن را در آثارش تجلی می‌دهد و آثارش نوعی سادگی و فرم مینیمالیستی پیدا می‌کنند.

فکر می‌کنید به چه دلیل عکاسی مینیمال در ایران نتوانسته اقبال چندانی بدست آورد؟

ببینید مینیمالیسم از همان ابتدای مطرح شدنش با نوعی چیدمان و اینستالیشن در گالری‌ها آغاز شد؛ با مصالحی که مدرنیته را بیشتر تداعی میکردند.

بنابراین می‌توان گفت که این نوع رویکرد به عکاسی به نوعی با فضاهای سنتی در کل و بالاخص با فضاهای سنتی ما بیگانه است؛ البته نمی‌شود گفت به طور 100 درصد با فضاهای سنتی ما مغایر است چرا که در همین آثاری که در جشنواره به دست ما رسیده هم آثاری هست که بر مبنای فرهنگ خودمان و با رویکرد مینیمال تولید شده‌اند. اما خوب همان طور که می‌دانید عکاسان قدیمی ما اکثرا به‌روز نیستند و همین مساله می‌تواند در عدم رواج عکاسی مینیمال در ایران موثر باشد. اما من فکر می‌کنم که بسیاری از جوان‌ها، امروزه به سبب آشنایی بیشتر با زبان انگلیسی و و به دلیل فراگیر شدن اینترنت، شناخت بهتری به عکاسی مینمیالیسم پیدا کرده و می‌کنند و بیش از پیش به این رویکرد اقبال نشان خواهند داد.